

بیانیه اهالی موسیقی درباره هتک حرمت قرآن

جمعی از هنرمندان موسیقی، مؤسسات فرهنگی هنری عرصه موسیقی، دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن موسیقی ایران، شعب استانی انجمن ودفتر سرود، ضمن اعلام انزجار خود از اقدام غیرمسئولانه در هتک حرمت مصحف شریف قرآن، با انتشار بیانیه‌ای مشترک این عمل ننگین را محکوم کردند. در متن این بیانیه آمده است: «تأشیر پر فروغ کلام نور بر سعادت انسان، روزافزون است و تنها مشرکانی آن

را کتمان می‌کنند که همزیستی مسالمت‌آمیز جوامع بشری را تاب ندارند. قرآن کریم به منزله راهنمایی سترگ و تغییر‌ناپذیر همواره چراغ راه هدایت بوده و تمامی ادیان آسمانی بی‌نیاز از نور دلالت نبوده‌اند. قرآن‌سوزی همانا، فرو رفتن در چاه ظلمانی نفس است و کسانی که چنین ستیزه‌جو نمایان می‌شوند، خورشید یگانه و رسولان آن را تاب پذیرش ندارند. جمعی از هنرمندان موسیقی، مؤسسات فرهنگی هنری عرصه

حسن رحیم‌پور ازغدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگویی تشریح کرد

آداب دین‌ورزی در رسانه



مریم فاج
نویسنده و پژوهشگر

فرهنگ‌سازی دینی در جامعه را به داشتن بینش درست فراخواند. او که تالیفات متعددی در محوره‌های دین و ایدئولوژی انقلاب اسلامی دارد، در بررسی شیوه‌های تبیین مذهب از ویژگی‌های دو مذهب متحجر و متحرک سخن می‌گوید. ازغدی این تقسیم‌بندی را شامل حال رسانه نیز دانسته و رسانه متحرک را واجد ویژگی‌هایی همچون توجه به دین به عنوان وسیله‌ای برای رشد انسان و نه هدف و شغل، ارائه تفسیر درست از آیین‌های ایرانی، اسلامی و بعضاً غربی و جلوگیری از بدعت‌گذاری، تریق مفاهیم انسان‌شناسی در تولیدات نمایشی، اعتمادسازی رسانه، پرهیز از تبلیغ امام مجهول و... می‌داند.



بررسی شیوه تبیین مذهب در صداوسیما

در قیاس شیوه تبیین مذهب در زمان قبل و بعد از انقلاب تفاوت‌هایی وجود دارد که بیش از آن که به دانش مربوط باشد، به بینش مربوط است. قبل از انقلاب، امام و بعضی از متفکران بزرگ، دانش جدیدی به نسل ما ندادند، اطلاعاتی که آنها به ما دادند از سنخ بینش بود و آنها بینش ما را عوض کردند.

بیان دین وقتی که در قدرت نیستید یک طور اثر دارد و وقتی بعد از انقلاب، همان حرف‌ها را با داشتن ۴۰ شبکه و ده‌ها هزار کارمند و بدون هیچ رقیب جدی می‌گویید، نتیجه دیگری دارد. اگر چهار پنج شبکه دشمن با چند صد و بعضاً چند ده کارمند، مخاطب پیدا می‌کنند معنی اش این نیست که آنها حق می‌گویند و ما باطل، مسأله این است که آنها از زاویه‌ای وارد می‌شوند که مخاطب به پیام و معنای حرف آنها توجه ندارد و فقط به کارکرد حرفشان توجه می‌کند. شما اگر بهترین حرف‌ها را هم بگویید، مخاطب بیشتر از معنا به کارکرد آن توجه می‌کند. هر حرفی صرف نظر از معنای تحت‌اللفظی کارکردی خاص و پیام اجتماعی دارد. رسانه وقتی به قدرت می‌رسد و برمسند مستقر است و رقیب جدی هم ندارد، عیب‌های خود را نمی‌بیند. اکنون رسانه ما در موضع قدرت است و رقیب ندارد. حال از کجا بدانیم مثلاً این برنامه مذهبی را که شما ساخته‌اید، چند نفر دیده‌اند؟ ما اکنون

برش



توجه به مفاهیم انسان‌شناسی اسلامی

در برگزاری مناسک مذهبی هدف، احیا و بیداری و تربیت انسان‌های صالح است اما گاهی قضیه برعکس می‌شود و جای هدف و وسیله تغییر می‌کند. برگزاری مناسک مذهبی در صداوسیمای ملی به شغل و هدف تبدیل شده است. برگزاری مناسک باید خروجی داشته باشد. بعد از اجرای کدام مناسک، کدام مخاطب مدنیت‌تر، انقیادش بیشتر و آگاهی‌اش به معارف دین افزایش یافت؟ با برگزاری این مناسک چه حرف تازه‌ای را مطرح کرده‌ایم؟ در بحث نمایش سبک زندگی خانوادگی نیز وضعیت تقریباً همین است. این همه فیلم و سریال در مورد خانواده ساخته می‌شود و در تمام آنها خانواده‌های بد را به مخاطب نشان می‌دهند، شاید برای این‌که بگویند ادب را بی از ادیان بیاموزید. نمی‌شود برای یک‌بار هم سریالی ساخته شود که هر هفته یک خانواده خوب و درست را نشان دهند تا مخاطب کمی هم ادب از بالاد‌ها بیاموزد؟ مثلاً با نشان دادن یک خانواده ایرانی نشان دهیم چطور می‌توان مسلمانانه به استقبال مشکلات رفت یا اگر روزی وضع مالی‌مان خوب شد،

قاب



«سِبْطُ النَّبِیِّ» دیوارنگاره ولیعصر (عج) شد

نقاشی عاشرابی جدیدی حسن روح‌الامین جدیدترین دیوارنگاره میدان ولیعصر (عج) تهران شد. عنوان این نقاشی «سِبْطُ النَّبِیِّ» است که صحنه مبارزه و رجزخوانی حضرت قاسم‌بن‌الحسن (ع) را به تصویر کشیده است. در توضیح این دیوارنگاره آمده است: «راوی می‌گوید: حضرت قاسم ابن‌الحسن (ع) در برابر سپاه دشمن این رجز را می‌خواند: اِنْ تَنكَرُونِی فَاَنْتَا اَبْنُ الْحَسَنِ سِبْطُ النَّبِیِّ الْمُصْطَفِی الْمَوْثَّقِ اَگر مرا نمی‌شناسید من فرزند حسن هستم و نواده پیامبر (ص) برگزیده و امین هستم.» طراح نوشتار دیوارنگاره سِبْطُ النَّبِیِّ را که توسط خانه طراحان انقلاب اسلامی نصب شده، به عهده علی خلیج بوده است.

را کتمان می‌کنند که همزیستی مسالمت‌آمیز جوامع بشری را تاب ندارند. قرآن کریم به منزله راهنمایی سترگ و تغییر‌ناپذیر همواره چراغ راه هدایت بوده و تمامی ادیان آسمانی بی‌نیاز از نور دلالت نبوده‌اند. قرآن‌سوزی همانا، فرو رفتن در چاه ظلمانی نفس است و کسانی که چنین ستیزه‌جو نمایان می‌شوند، خورشید یگانه و رسولان آن را تاب پذیرش ندارند. جمعی از هنرمندان موسیقی، مؤسسات فرهنگی هنری عرصه

نخبگان حق در برابر نخبگان باطل

توجه داشته باشید ۹۵ درصد مردم اعم از متدین و کافر به عقلانیت و حقانیت مذهب اصلاکاری ندارند، چون به این مسائل وارد نیستند.

مردم به مفید بودن مذهب برای دنیا و آخرتشان توجه دارند.

ما در جامعه، نخبگان حق و نخبگان باطل داریم که حدود ۶ یا ۷ درصد جامعه را شامل می‌شوند اما همین اقلیت، اکثریت جامعه را رهبری و سازمان دهی می‌کنند. اینها حزب و جریان یا مذهب و فرقه می‌سازند و بقیه از آنها پیروی می‌کنند. امروز خواص مخالف و موافق جامعه، اطلاعات دارند. یک زمانی مردم، حتی طرفداران ما هم رسانه‌ای نداشتند و حرفی غیر از آنچه ما می‌گفتیم را نمی‌شنیدند؛

اما الان شرایط برعکس شده و گاه تمام حرف‌ها را می‌شنوند، الا حرف ما وقتی مجبور می‌شوید حرف‌هایی که ۴۰ سال پیش، بزرگ‌ترین انقلاب تاریخ معاصر را ایجاد کرد را امروز در لاف‌ها بگویید و آنها را کنار تعدادی سلبریتی و موزیک و حرف‌های بی‌ربط مطرح کنید تا مخاطب پیدا کند، به این معنی است که این حرف‌ها، حرف‌های ۴۰ سال قبل نیست و کارکرد آن تغییر کرده‌است.

این حرف‌ها جنازه آن حرف‌هاست به این دلیل که آن حرف‌ها در زمانه‌ای که عصر رقاص، مطرب و سلبریتی‌بازی‌های زمان

شاه بود، جمعیتی را از پای مشروب‌فروشی و فاحشه‌خانه به مسجد کشاند. آن حرف‌ها چه جاذبه‌ای داشت که با شنیدنش، جماعت بی‌حجاب و کمونیست باحجاب می‌شد و بچه سرمایه‌دارها که اسم‌های اجق و جق داشتند، اسم خود را زینب و فاطمه می‌گذاشتند؟!
اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ حجاب به هویت انسانی و انقلابی تبدیل شد. یعنی دخترها با افتخار و با اراده خودشان باحجاب می‌شدند و این‌طور نبود که بگویند ما به‌زورتن به‌قدرتی-ولوبه‌شرع- داده‌ایم. زمان مناسبت‌های مذهبی، صداوسیما دوربین‌های خود را روی بارگاه و گنبد انمه تنظیم می‌کند و با صحبت تعدادی مداح و سلبریتی می‌خواهد به مخاطب بفهماند امروز روز عید یا عزای امامی است و... در چنین مناسبت‌هایی نباید سخاوت به خرج داد و از هر گروه و دسته‌ای خواست در مورد مذهب صحبت کنند. نباید کاری کنیم که تشنگی و عطش جامعه برای امور مذهبی از دست برود. به قول شاعر «آب کم جوشنگی آور بدست/تا بجوشد آب بالا پوست»، بهتر است مخاطب راتشنه نداریم مثلاً این‌که در روز عرفه تمام شبکه‌های صداوسیما دعای عرفه را پخش کند، چه نتیجه درستی می‌تواند داشته باشد؟ در حالی که یک بار ندیده‌ایم کسی دعای عرفه را درست معناکرده باشد.

مذهب متحجر، مذهب متحرک

ما دو مذهب متفاوت داریم؛ یکی مذهب متحجر و دیگری مذهب متحرک. ایمان هم به همین ترتیب به متحجر و متحرک تقسیم می‌شود. تمام مبانی اسلام و قرآن و شیعه دو جور است که اکنون از آن به شیعه‌لندنی و شیعه علوی تعبیر می‌کنند. پدر مرحوم بنده در مجموعه خاطرات‌شان اشاره می‌کنند که مبدع اجرای دعای ندبه و دعای کمیل درمشهد، حاجی‌عابدزاده بود. بعد از کودتا که ایشان و آقای شریعی را گرفتند، برای این‌که پرچم این کار در اهتزاز بماند، پدر من دعای کمیل را در مشهد توسعه می‌دهند. یکی از دلایل پدرم برای این کار مبارزه با دین‌ستیزی بود که بعد از شهریور ۱۳۲۰ در مشهد باب شد. پدرم با آن‌که تخصصی در این کار نداشت برای زنده نگاه داشتن نام حاجی عابدزاده که آن زمان در زندان بود، دعای کمیل را در مسجد گوهرشاد می‌خواند.

چون این کار پیام سیاسی داشت بعد از مدتی ساواک خواندن دعای کمیل را ممنوع کرد. مدتی بعد مهدیه‌های دیگری ساخته شد که ساواک با آنها کاری نداشت. در واقع آنها نوعی از دعوت به مذهب را ممنوع می‌کردند و به انواع دیگر آن اجازه فعالیت می‌دادند. رهبری نیز آن زمان در مسجد امام حسن و مسجد کرامت مشهد آیات و روایات را توضیح می‌داد و اصلاً بحث سیاسی نمی‌کردند ولی بعد از مدتی به ایشان گفتند این حرف‌ها را نباید بگویید. یک بار وقتی ایشان سوره بنی‌اسرائیل را تفسیر می‌کرد ساواک آمد و به ایشان گفت موقع خواندن و تفسیر قرآن باید از آیه‌های بنی‌اسرائیل عبور کنید چون وقتی رهبری از این آیات صحبت می‌کردند نتیجه‌ای می‌داد و وقتی دیگران صحبت می‌کردند یک جور دیگری بود.

کمیت ملاک نیست

می‌خواهم بگویم اصلاً ملاک نیست که ما چه تعداد برنامه مذهبی در سیما داریم. کارکرد این برنامه‌ها و معنا و برداشتی

موسیقی، دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن موسیقی ایران، شعب استانی انجمن ودفتر سرود، ضمن اعلام انزجار خود از اقدام غیرمسئولانه در هتک حرمت مصحف شریف قرآن، این عمل ننگین را محکوم می‌کنند. به امید آن‌که روزی همه انسان‌های جهان زیر پرچم ادیان الهی در احترام و آرامش باشند و کوردلان و زندیقان، خود را در تایش یگانه کلام!... قرار دهند.»



که مخاطب از آنها دریافت می‌کند، مهم است. باید به دو قطبی‌هایی که معمولاً می‌سازند توجه کرد و از خود پرسید این مذهب، مذهب حکومت است یا مردم؟ این مذهب، صادق است یا عوام‌فریب؟ این مذهب، پاسخ روشنفکران ضد دین را می‌دهد یا مسائل را ماستمالی می‌کند؟ این مذهب نگران عدالت اجتماعی هست یا نیست؟ خلاصه این‌که اگر مخاطب شما جزو خواص باشد ازخود می‌پرسد چرا این تفسیر از مذهب ارائه شده و به دنبال استدلال و برهان می‌گردد، اما

اگر جزو عوام باشد، به حقانیت کار ندارد و به فایده کار دارد. رسانه یا هر کسی که معلم، مبلغ و مدرس است باید بتواند به پرسش‌ها جواب دهد و روشن کند که اگر دین نبود، وضعیت انسان‌ها چگونه می‌شد. یکی از اشتباهات ما به عنوان طلبة، استاد، دانشگاهی و صداوسیما این است که به جای این که اگر دین نبود، وضعیت انسان‌ها چگونه می‌شد. یکی از اشتباهات ما به عنوان طلبة، استاد، دانشگاهی و صداوسیما این است که به جای این که خودمان را جای مخاطب بگذاریم، مخاطب را به جای خود می‌گذاریم و بعد شروع به حرف زدن می‌کنیم. در روایات ما به قانون طلایی اخلاق اشاره شده و تمام انبیاء از آن صحبت کرده‌اند حتی اخلاق سکولار هم این را قبول دارد که هر چه برای خود بد می‌دانید، باید برای دیگران هم بد بدانید و هر چه برای خود خوب می‌دانید را

برای دیگران هم خوب بدانید. یعنی بیش از انجام هر کار، خودتان را به جای دیگران بگذارید. کسانی که در رسانه تصمیم می‌گیرند، باید خود را به جای مخاطب بگذارند و ببینند اگر جای او بودند چه توقعاتی داشتند و این برنامه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کردند. اگر عالم بود یا عامی، مذهبی و غیرمذهبی، این برنامه‌ها را چگونه قضاوت می‌کردید. بهترین روش تدریس و تبلیغ این است که بیش از گفتن هرکنه‌ای آن سوی میز بنشینیم و خودمان را جای مخاطب تصور کنیم که در حال شنیدن این سخنان هستیم، بعد ببینیم این حرف‌ها در ما انزجار ایجاد می‌کند یا موجب اقبال و توجه بیشتری می‌شود. این‌که چگونه معنی کلمات مذهبی تغییر کرده‌اند را باید این گونه

پیشخوان

«تشنه لبان»

در بازار نشر



می‌شود. «تشنه‌لبان» از کتاب‌های «مقتل» به شمار می‌رود که در آن وقایع کربلا و حماسه‌آفرینان عاشورا با ذکر نام و شیوه شهادت و شرح مطالب بیان شده است. همچنین شعرهایی با بیت‌هایی متناسب با مطلب، از شاعران مختلفی چون حافظ انتخاب شده و در کتاب آمده است. نویسنده در این کتاب با رجوع به معتبرترین منابع تاریخ عاشورا، حوادث این روز بزرگ را با دقت و جز به جز روایت کرده است، آنچنان که خواننده خود را در گرماگرم نبرد اصحاب سالار شهیدان با سپاه کفر می‌بیند و از مشاهده دلآوری‌های شهیدان کربلا به وجد آمده و بر مصیبت واردشده به خاندان گرامی پیامبر اشک می‌ریزد. تصویرگری کتاب «تشنه‌لبان» را هاجر سلیمی‌نمین و طراحی گرافیک آن را کوروش پارسانزاد بر عهده داشته‌اند.

تازه‌های نشر

۴۰ داستان حسینی

در «تویی که عاشق‌ترینی»

کتاب تویی که عاشق‌ترینی از ۴۰ داستان درباره زندگی امام حسین (ع) از بدو تولد تا لحظه شهادت تشکیل شده است. در این اثر واقعه کربلا و به اسارت گرفتن اهل بیت ایشان روایت می‌شود و در آخر کتاب به شور و اشتیاق اربعین حسینی ختم می‌شود.

طبق اعلام ناشر، با توجه به این‌که چالش‌ها و محدودیت منابع در نگارش آثار ادبی تاریخی و مذهبی وجود دارد و برای نوشتن هر اثر تاریخی، به تحقیقات فراوان در مورد شخصیت‌ها، وقایع، اوضاع مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و... از دوران مذکور در شهرهای مکان وقوع ماجرا و... احتیاج است، این اثر از این حیث یکی از آثار قابل اعتنا و موثق به شمار می‌آید و نویسنده برای نگارش به منابع دست‌اول تاریخی بسیاری رجوع کرده و پژوهش‌های زیادی را انجام داده است.

مریم بصیری نویسنده، پژوهشگر و مدرس داستان‌نویسی و دبیر علمی چهاردهمین دوره جازه ادبی جلال آل احمد تاکنون آثار زیادی را منتشر کرده است. کتاب تویی که عاشق‌ترینی نوشته مریم بصیری با ۱۵۸ صفحه و قیمت ۶۹ هزار تومان توسط انتشارات کتاب جمکران منتشر شده است.